



مطالعه و بررسی تأثیرات شرایط اقلیمی بر جایگاه و نقش دین در نظام قشر بندی ایران باستان

بهروز آقازاده^۱، غلامحسین مهدوی^۲، مریم مزینانی^۳

- ۱- دانشجوی دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اردبیل
- ۳- دانشجوی دکترای جامعه شناسی گروههای اجتماعی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

خلاصه

حیات اجتماعی- اقتصادی بشر مراحل و تکامل تاریخی را از ابتدا تا کنون طی کرده و بسیاری از مناسبات و روابط انسانی امروزه، حاصل گذشته ی تاریخی آن بوده و شناخت مکانیسم و دینامیسم این روابط تاریخی، بهتر می تواند مناسبات و رفتار انسانی در حال حاضر را تبیین کند. ایران باستان یکی از برهه های زمانی- تاریخی جامعه ایران بوده که دارای نظام اجتماعی و مناسبات انسانی خاص خود بوده که بر اساس اسناد و متون می توان رد پای تأثیرات شرایط اقلیمی و طبیعت را در برسازای این نظام و مناسبات پی گیری کرد. بر اساس اسناد موجود یکی از طبقات مهم در لایه های بالایی هرم قشر بندی ایران باستان، روحانیون، کاهنان و موبدان بودند که مزایا و امکانات زیادی را در نظام تقسیم کار به خود اختصاص می دادند. در این تحقیق با استفاده از روش استنادی و با مطالعه اسناد و متون موجود در زمینه زندگی اجتماعی- اقتصادی ایران باستان به بررسی تأثیرات شرایط اقلیمی بر جایگاه و نقش دین در این نظام سلسله مراتبی پرداخته و این نتایج بدست آمد: اقتصاد شبانی و کشاورزی به عنوان اقتصاد معیشتی ایران باستان، در ارتباط تنگاتنگ با طبیعت و محیط طبیعی و شرایط اقلیمی بوده و به همین جهت انواع الهه هایی که مردم می پرستیدند به نحوی در ارتباط با محیط طبیعی بر سلخت اجتماعی شده است. روحانیون یا موبدان یا مغ ها به عنوان رهبران دینی و متولیان این الهه ها و برگزار کنندگان مراسم و آیین های دینی، همیشه به عنوان یکی از اشغال کنندگان قسمت های بالایی هرم قشر بندی این جوامع بوده و به تبع آن از مزایای و امکانات جامعه به صورت نابرابرانه بهره برده اند. مهمترین وظایف و کارکردهای روحانیون در نظام تقسیم کار ایران باستان عبارت بود از اجرای امور کشوری و لشکری، برگزاری آیین های دینی، راوی و کاتب داستانهای کهن، مرجعیت علمی. موبد موبدان غیر قدرت دینی و هدایت معنوی در عزل و نصب پادشاه نیز دست داشتند.

کلمات کلیدی: ایران باستان، شرایط اقلیمی، روحانیون، نظام قشر بندی، بر ساخت اجتماعی.

۱. مقدمه

فلات ایران مهد یکی از کهن ترن تمدن های بشری بوده که تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی خاص خود، حیات اجتماعی- اقتصادی خاصی بر ساکنان اش تحمیل کرده است. این سرزمین به خاطر قرار گرفتن در مسیر ارتباطی اقوام مختلف و موقعیت سوق الجیشی خاص خود، همواره آبرستن تحولات و تغییرات گوناگونی چه مثبت و چه منفی بوده و در طول تاریخ در راستای حیات تکاملی اش پیش رفته و الگوهای زندگی، نرم ها و باورها، ابزارها، سازمانها و نهادهای مختلفی را بوجود آورده است.

1 . Behroozagazadeh@yahoo.com
2 . Gm_mahdavi@yahoo.com
3 . mary_mazinani@yahoo.com



بررسی ها و مطالعات تاریخ ایران باستان نشان می دهد که یکی از نهادهایی که همواره در حیات اجتماعی - اقتصادی ساکنان این سرزمین نقش اساسی و ریشه ای داشته، نهاد دین است. اینکه چرا و چگونه این نهاد همیشه توانسته به عنوان کانون مهمی در حیات بشر به صورت اعم و علی الخصوص در زندگی ایرانیان، سهمی بسزایی داشته باشد؛ اولاً خیلی دقیق تبارشناسی نشده و ثانیاً در صورت بررسی هم به جای نگاه ترکیبی و جامع، همیشه از نقطه نظری خاص و مطابق با مبانی شناختی هر رشته علمی و معرفتی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ مثلاً برخی از اهل معارف و الهیات این امر را ناشی از فطرت الهی بشر دانسته و آن را با این خصیصه متافیزیکی - شهودی تبیین می کنند، علمای اخلاق این امر را ناشی از قوه تفکر و انتخاب و الزام او برای اخلاقی زندگی کردن با یک پشتوانه اعتقادی به جهان آخرت و حساب و کتاب، در سایه آموزه های دین می دانند که در طول گذشت زمان هم سبب تکامل اخلاقیات و هم سبب تکامل دین گشته است، برخی از مردم شناسان مانند فریزر (۱۸۵۴ - ۱۹۴۱)، در نظریه تکاملی اش، این حرکت را از جادو به دین و سپس به علم می داند و فوئر باخ هم که معتقد است که: انسان دارای دوگانگی در وجود است یعنی یک جنبه وجود او جنبه عالی و جنبه دیگر آن دانی است. یعنی در وجود انسان هم جنبه حوانیت، خشم، و شهوت است و هم جنبه شرافت، کرامت و فضایل عالی، اما معمولاً انسان، جنبه عالی خود را فراموش کرده و تابع جنبه پست وجود خودش می شود و از جنبه های عالی چون شرافت و فضایل نیک فاصله می گیرد و در نتیجه دوری از آنها، هنگامی که به آن صفات عالی می اندیشد آنها را ویرای خود می داند که این ویرای خود دانستن منشأ پیدایش دین و مذهب در وجود انسان می شود. [۱]

با در پرتاز گذاشتن ریشه یابی ماهیت و چپستی تاثیر گذاری این نهاد دیرین در حیات بسیاری از مردمان و منجمله زندگی اجتماعی - اقتصادی ایرانیان، آنچه به وضوح در مورد آن می توان گفت تاثیرات عمیق آن بر سایر نهادهای اجتماعی و علی الخصوص مناسبات انسانی و نظام قشر بندی جوامع مختلف می باشد.

نظام قشر بندی که نشان دهنده مناسبات اجتماعی و روابط میان گروه های مختلف در سلسله مراتب اجتماعی جامعه است، از منظر اندیشمندان مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. سیف الهی (۱۳۹۳) یکی از اندیشمندان مسائل اجتماعی در تعریف نظام قشر بندی آورده که: «قشر بندی، به معنای شکل گیری ساختارمند طیف های لایه بندی شده ی افراد جامعه بر اساس وضعیت اقتصادی و سبک زندگی آنهاست و پیامد چنین لایه بندی اجتماعی، شکل گیری گروه های اجتماعی است. شکل گیری گروه های اجتماعی از بُعد موقعیت اقتصادی و سبک زندگی و تداوم آن در جوامع انسانی به پیدایش طبقه ی اجتماعی^۴ منجر می شود. طبقه ی اجتماعی که به عنوان یکی از گروه های اجتماعی مهم جامعه محسوب می شود، از بطن و متن روابط و مناسبات اجتماعی، در فرآیند تقسیم کار اجتماعی شکل می گیرد.» [۲]

در خصوص نظام قشر بندی ایران باستان، مطالعه منابع مختلف تاریخی ایران دوران باستان نشان می دهد که همیشه متولیان دینی و برگزار کننده های مراسم دینی با وجود نظام سلسله مراتب درون گروهی خویش، در قسمت های بالای هرم نظام قشر بندی جامعه قرار داشته به تبع آن از مزایا و امتیازات خاص اجتماعی بهره مند شده و در تغییرات و تحولات اجتماعی، خیلی بانفوذ و نقش بسیار مهمی داشتند. در این مقاله با محدود کردن دامنه مطالعات نظام قشر بندی تاریخ ایران به دوران باستان، سعی بر آن است که مکانیسم و دینامیسم عوامل تاثیر گذاری که در این منطقه سبب اهمیت محوری دین شده و نیز تاثیرات دین در هرم لایه بندی و نظام سلسله مراتب اجتماعی قشر بندی این دوران از تاریخ ایران، مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مساله:

نظام قشر بندی یکی از ستون های برپایی ساخت اجتماعی جوامع، دوام ایستایی، محرک پویایی، همچنین سرمنشاء تغییرات و دگرگونی های آن بوده است. این نظام می تواند در جامعه کارکردهای مثبت و منفی داشته باشد، کارکردهایی چون دوام و استواری و نظم جامعه و پدید آمدن نابرابریهای اجتماعی و بروز نارضایتی منبث از آن و وقوع جنبشها و انقلابات اجتماعی.

می توان برای نظام قشر بندی و توافق جامعه بر آن دو حالت متصور شد:

در حالت اول چنانچه مکانیسم و دینامیسم شکل گیری نظام قشر بندی اجتماعی، با توجه به تاثیر پذیری از سایر مولفه های اجتماعی، چون رابطه دیالکتیکی حاکمیت، قدرت و ثروت، بتواند به خلق توجیه ها و ایدئولوژی هایی در راستای حفظ این سلسله مراتب به نفع عده ای به عنوان طبقه حاکم در راس این هرم شود و به تبع آن سبب سر ریز شدن انواع مزایای اجتماعی سه گانه ی قدرت، ثروت و منزلت و احترام به سمت آنها شود، در صورتی که نسبت به این خیل بهره مندی عده ای قلیل، رضایت و توافق همگانی چه از نوع درونی و باطنی و چه به صورت رضایت گفتمانی و ناشی از ترس و



خفقان باشد و هیچ انکار و طردی از سطوح زیرین جامعه صورت نگیرد، این نظام قشر بندی نه تنها مساله ساز نبوده بلکه به استواری جامعه هم منجر می شود و تضاد و تنش داخلی را به حداقل می رساند.

در حالت دوم در صورتی که قشرهای پایین جامعه توجهات و ایدئولوژی های نابرابرانه طبقه حاکم و مسلط را قبول نکرده و آن را ادعایی کاذب به شمار آورند، و نظام هم راههای تحرک افراد لایق و مستعد و نخبه ی گروههای پایین را باز نگذارد و به قولی «گردش نخبگان» صورت نگیرد، نارضایتی آشکار و پنهان اعضای جامعه را سبب می شود و نظام قشر بندی به چالش کشیده می شود و اینجاست که جنبه آنومیک و بیمارگونه و مساله ای نظام قشر بندی اجتماعی برجسته می شود. در این حالت آنومیک و نابهنجار نظام قشر بندی، جامعه به گروههای متخاصم و رودروی هم تقسیم شده و به انواع تنشها منجمله آشوب، جنگ و انقلاب منجر می شود که می تواند پیکره سامانمند جامعه را تهدید و متلاشی کند و باعث هدر رفت نیروها و منابع آن شود. سوالات زیادی می تواند در اینجا طرح شود:

آیا نظام قشر بندی یک قانون آسمانی و نابرابری ازلی و ابدی است یا محصول برساختگرایی اجتماعی انسان؟ و اینکه چرا نظام قشر بندی باید وجود داشته باشد؟ چرا با وجود محدودیت عمر انسان نسبت به بهر مندی ابدی از مزایای اجتماعی همیشه قشرهای بالایی جامعه سعی می کنند با چنگ و دندان از جایگاه خویش دفاع و برای آن توجیه های ایدئولوژیکی فراهم کنند؟ آیا این نشانه ی همان قانون بقای اصلح یا تنازع بقا در عالم حیوانات نیست که همیشه اخلاقیون منکر آن هستند؟ واقعاً چه حد و معیاری برای بهره مندی انسان و نقطه اشباع آن وجود دارد؟ و ...

اما آنچه در این جستار درصدد پاسخگویی بدان هستیم اینکه نظام قشر بندی ایران باستان و لایه های موجود در آن را و اشکافی و نقش عوامل تاثیر گذار بر پر اهمیت کردن نقش دین و تاثیرات این عنصر در سلسله مراتب اجتماعی و لایه بندی را تحلیل و تفسیر کنیم.

اهداف تحقیق:

هدف کلی: مطالعه و بررسی تاثیرات شرایط اقلیمی بر جایگاه و نقش دین در نظام قشر بندی ایران باستان.

اهداف جزئی:

مطالعه و بررسی شرایط اقلیمی سرزمین ایران.

مطالعه و بررسی نظام اجتماعی- اقتصادی و مناسبات انسانی- اجتماعی ایران در دوران باستان.

مطالعه و بررسی نظام قشر بندی و سلسله مراتب اجتماعی دوران ایران باستان.

مطالعه و بررسی تاثیرات شرایط اقلیمی بر نقش و جایگاه دین در سلسله مراتب اجتماعی نظام قشر بندی ایران باستان.

فرضیه ها و پرسشهای تحقیق:

الف) فرضیه های تحقیق:

شرایط اقلیمی و جغرافیای سرزمین ایران بر بر حیات اجتماعی- اقتصادی و مناسبات و روابط انسانی ایرانیان باستان تاثیرات مهمی داشته است.

تاثیرات شرایط اقلیمی و جغرافیای بر حیات اجتماعی- اقتصادی، همیشه دین را در کانون توجه ایرانیان باستان قرار داده است.

دین در شکل گیری سلسله مراتب اجتماعی در نظام قشر بندی ایران تاثیرات با نفوذ و غیر قابل انکاری داشته است.

ب) پرسشهای تحقیق:

چرا و چگونه شرایط اجتماعی- اقتصادی و مناسبات و روابط انسانی ایران باستان متأثر از شرایط اقلیمی بوده است؟

چگونه شرایط اقلیمی با تاثیر گذاری بر مناسبات و روابط انسانی، دین را در کانون توجه ایرانیان باستان قرار داده است؟

چگونه روابط و مناسبات اجتماعی- اقتصادی ایرانیان باستان، نظام قشر بندی را بر ساخت و بر سازی می کرد؟

در نظام قشر بندی ایرانیان باستان، دین چه نقشی و چه تاثیراتی بر توزیع مزایا و امکانات جامعه داشته است؟

روش های تحقیق بکار رفته در این مطالعه:

روش های تحقیق در جامعه شناسی به پنج نوع تقسیم می شود: ۱- روش تجربی، ۲- روش پیمایشی یا بررسی اجتماعی، ۳- روش استنادی، ۴- روش

میدانی، ۵- روش مقایسه ای یا تطبیقی. [۳]



در این مقاله از آنجا که موضوع مورد بررسی پدیده اجتماعی - تاریخی است، ناگزیر از مطالعه اسنادی هستیم و با مطالعه کتاب، مقالات، جستجو در وب سایت های علمی و فیش برداری از آنها و با تحلیل عنصری و اخذ عناصر مهم تاریخی مرتبط با موضوع بررسی و در راستای توصیف، تفسیر و تبیین مفروضات و سوالات تحقیق و همچنین تحلیل و تفسیر محتواهای مربوط به موضوع تحقیق به این امر پرداخته می شود.

تحلیل و تفسیر یافته های تحقیق

تاثیرات شرایط اقلیمی بر جایگاه دین در نظام قشر بندی ایران باستان؛

به نظر می رسد که اجتماعات اولیه انسانی، با واسطه سه عنصر اصلی و بنیادی شکل گرفته است که مرور زمان با توسعه اجتماعات، عناصر دیگری بوجود آمده و به آن اضافه شده است. حاصل چنین توسعه ای پیدایش «جوامع انسانی» و «سیستمهای اجتماعی» در جهان امروز است. عناصر مزبور به ترتیب اولویت و اهمیت در شکل دهی اجتماعات اولیه عبارتند از:

۱- عنصر محیط جغرافیایی و اقلیمی

۲- عنصر انسانی یا جمعیت انسانی

۳- عنصر معیشتی یا اقتصادی.[۴]

در این قسمت، شرایط و وضعیت اقلیمی و تاثیرات آن بر حیات اجتماعی - اقتصادی، مناسبات و روابط انسانی ایرانیان مورد بررسی قرار گرفته و سپس هم فراخوانی این دو در شکل گیری دین و نقش کانونی آن در مناسبات بعدی نظام قشر بندی و سلسله مراتب اجتماعی مورد مذاقه قرار می گیرد. الف) شرایط اقلیمی ایران و نظریات مترتب بر آن:

ایران از لحاظ آب و هوایی یکی از منحصر به فرد ترین کشورهاست. اختلاف دمای هوا در زمستان میان گرمترین و سردترین نقطه گاهی به بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد می رسد. داغ ترین نقطه ی زمین در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی، در نقطه ای در کویر لوت ایران بوده است [۵]. ایران از لحاظ بارندگی در سطح نیمه خشک و خشک است. میزان بارندگی در ایران بسیار متغیر است. در شمال به بیش از ۲۱۱۳ میلیمتر (رشت، ۱۳۸۳) نیز می رسد. در نواحی کویری بارش عمدتاً بسیار کم و در حدود ۱۵ میلیمتر است. بارش نواحی شمال غرب و غرب، دامنه های جنوبی البرز و شمال شرق تا حدودی قابل توجه (حدود ۵۰۰ میلیمتر) می باشد. در سایر نقاط میزان بارش از ۲۰۰ میلیمتر بیشتر نمی شود. ایران با مشکلات کم آبی دست و پنجه نرم می کند. پیش بینی می شود ایران در سال ۲۰۲۵ در وضعیت تنش آبی قرار بگیرد.[۶]

اختلاف دمای هوا در ایران در نقاط مختلف زیاد است. در حالی که در فصل زمستان دمای شهر کرد در شب به ۳۰- درجه هم می رسد، مردم اهواز هوای تابستانی (۵۰ درجه) را تجربه می کنند. هوای سواحل شمالی در تابستان گرم و مرطوب و در زمستان معتدل می باشد. نواحی شمال غرب و غرب تابستانهای معتدل و زمستانهای سرد و نواحی جنوبی تابستانهایی به شدت گرم و زمستانهایی معتدل دارند.

در خصوص تاثیرات شرایط اقلیمی بر حیات اجتماعی - اقتصادی بشر، مطالعات بسیاری صورت گرفته است و اندیشمندان بسیاری حول تأثیر این متغیر بر زندگی اجتماعی، به مطالعه و تحقیق پرداخته اند، بطوری که این مسئله در دیدگاههای اقلیم گرایانه کسانی چون ارسطو^۵، نیکو لوماکیاولی^۶، ابن خلدون، دیوید هیوم^۷ و شارل لویی مونتسکیو^۸ به خوبی مشهود است.[۷]

تاثیرات شرایط اقلیمی بر حیات بشر، علی الخصوص فلات ایران، از جمله موضوعات تحت بررسی های برخی اندیشمندان اجتماعی چون کارل مارکس^۹ و فردریک انگلس^{۱۰} بوده است. مارکس در مطالعات خود به تفاوت های میان ساختار های سیاسی - اجتماعی جوامع شرقی با جوامع غربی فئودالی پی برده بود، و علت این تفاوت را منتصب به شرایط اقلیمی می دانست. بر همین اساس برای اولین بار در سال ۱۸۵۳ طی نامه ای به دوست و همکار خود انگلس شیوه تولید آسیایی را توضیح داد، انگلس نیز در پاسخ به نامه مارکس، کشف او را تأیید نمود [۸]. ایشان در یک سلسله آثار خود شیوه تولید آسیایی و جامعه کهن آسیایی را مورد تحلیل قرار می دهد و از آن جمله می نویسد: «شرایط اقلیمی، وضع زمین، فضای عظیم، بیابانی که

5 - Aristotle.

6 - Niccolo machiavel.

7 - David Hume.

8 - Montesquieu.

9 - Karl Marx.

10 -Frederick Engels.

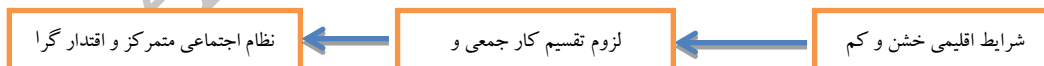


از صحرای آفریقا از طریق عربستان و ایران و هندوستان و تاتارستان، تا ارتفاعات فلات آسیا ممتد است سیستم آبیاری مصنوعی را به کمک ترعه‌ها و تأسیسات آبیاری، پایه زراعت شرقی کرده است و ضرورت بدیهی استفاده صرفه جویانه از آب... در شرق ناگزیر مداخله قدرت متمرکز دولت را می‌طلبد. منشأ آن وظیفه اقتصادی یعنی به ویژه وظیفه سازمان دادن امور عمومی که دولت‌های آسیایی مجبور بودند اجراء کنند، از همین جاست» [۹]. مفاهیمی چون دسپوتیسم شرقی یا استبداد شرقی، شیوه تولید آسیایی توسط اندیشمندان مختلف گویای تأثیرات محیط خشک و کم آب بر نظام اجتماعی و حیات بشری بوده و علت اصلی این نامگذاری وضعیت آب در این مناطق است. آب در مشرق زمین بسیار کمتر از مغرب یافت می‌شود، بر این اساس جمعیت در این مناطق به طور متمرکز گسترش یافته‌است. به عبارت دیگر کمبود منابع آب باعث شده هر جا آبی کشف شده بلافاصله مردم به آنجا هجوم آورده و آبادی تشکیل دهند و مدام این آبادی گسترش یابد. نتیجه‌ی این روند این شد که مراکز جمعیتی در این مناطق بر محور آب متمرکز شوند بر خلاف غرب خصوصاً اروپا که شاهد فاصله‌ی زیاد کانونهای جمعیتی هستیم زیرا آب وجود داشته‌است. نکته‌ی مهم دیگر اینکه چون آب نایاب و در اعماق زمین یافت می‌شد نیاز به حفر چاه و قنات و... بوده‌است. از آنجاکه مخارج این نوع عملیات ها از عهده کشاورزان ساده بر نمی‌آمده‌است، به ناچار به پادشاه و یا هر صاحب قدرت و ثروتی رجوع می‌کردند و این روند زمینه ساز وابستگی مردم به این قدرت می‌شد و نتیجه‌ی آن ایجاد شرایط مناسب برای حکومتهای استبدادی می‌شد. حکومت استبدادی که پایه‌ی اصلی آن احتیاج مردم به آب و مشخصه‌ی بارز آن وسعت قلمروی آنها به خاطر سرزمینهای وسیع و جمعیت‌های متمرکز که به راحتی قابل اعمال حاکمیت بودند. [۱۰]

در خصوص اهمیت و تأثیرگذاری شرایط اقلیمی بر حیات اجتماعی - اقتصادی بشر، سیف الهی (۱۳۸۸) در کتاب مبانی جامعه‌شناسی خویش معتقد است که: «محیط جغرافیایی، بستر حیات بوده‌است. بنابراین اولین عنصر در پیدایش و شکل‌گیری اجتماعات انسانی به شمار می‌آید. شواهد و آثار باقی مانده از زندگی انسانهای اولیه که به دوران چهارم زمین‌شناسی مربوط می‌شود، نشان می‌دهد که محیط طبیعی برای انسانهای اولیه، خالی از تهدید و خطر نبوده‌است» [۱۱]. ایشان خاطر نشان می‌کنند که البته انسان همیشه در قبال محیط طبیعی دست و پا بسته نبوده بلکه: «با توجه به واقعیت‌های زیستی و محیط طبیعی، محیط‌های اجتماعی گوناگون پدید می‌آورد که نشانه ابتکار و خلاقیت اوست» [۱۲]

از مجموع بررسی‌ها در خصوص شیوه تولید آسیایی، مفهوم استبداد شرقی (دسپوتیسم شرقی) و جامعه آب‌سالار می‌توان به روشنی دریافت که در این قسمت از جهان، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، مناسبات و روابط انسانی خاصی را بوجود آورده و ساکنان آن به تبع این شرایط اکولوژیکی، ابزار و ادوات مختلفی برای بهره‌گیری از طبیعت خشن و سخت ابداع کرده‌است؛ مثلاً قنات به عنوان یک اختراع ایرانی نمونه‌ای از این تکنولوژی ابتدایی می‌باشد که ایجاد آن بسیار دشوار و نیازمند یک همبستگی و کار جمعی زیر یک سیستم نظارت متمرکز می‌باشد. در ذیل تأثیرات شرایط اقلیمی بر نوع تقسیم کار و نظام اجتماعی - اقتصادی متمرکز و اقتدار گرا در قالب یک مدل علی نمایش داده می‌شود:

نمایه ۱: مدل علی تأثیرات شرایط اقلیمی در ایجاد نظام اجتماعی متمرکز و اقتدار گرا



ب) تأثیرات شرایط اقلیمی بر حیات اجتماعی - اقتصادی و مناسبات و روابط انسانی در ایران باستان:

آوردیم که شرایط اقلیمی به عنوان یکی از سه عنصر مهم و سه واقعیت از میان هزاران عناصر اصلی و فرعی تشکیل دهنده جوامع است که به ترتیب به بسیاری از مولفه‌های حیات اجتماعی - اقتصادی تأثیر گذاشته و این امر خصوصاً در مراحل اولیه زندگی بشر و تکامل تاریخی بسیار با اهمیت و تأثیر گذار بوده‌است. همچنین به برخی بررسی‌ها اشاره شد که سطره‌ی شرایط اقلیمی در ایجاد یک نوع نظام اجتماعی تحت عنوان «شیوه تولید آسیایی یا استبداد شرقی» را در تاریخ تکاملی جوامع شرقی نشان می‌دهد.

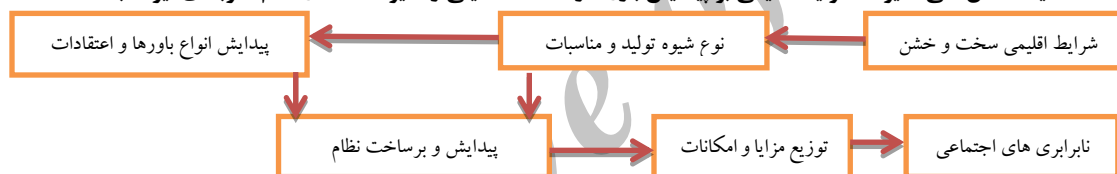
نحوه معیشت و نوع زندگی و ابزار به کار گرفته شده در ایران باستان، همه گویای تأثیر پذیری حیات اجتماعی - اقتصادی از عنصر اقلیمی را بیش از پیش روشن می‌سازد. در این شیوه از حیات اجتماعی است که تقدیر گرایی و متفاوتی نگاه کردن به امورات همه در راستای ایجاد یک نوع امنیت هستی‌شناختی برای مردمانی بوده که با دشواریهای و سختی‌های طبیعت دست و پنجه نرم می‌کردند و در این گیرودار و ارتباط دیالکتیکی، خالق یکی از کهن‌ترین تمدنهای بشری شده‌اند.



اقتصاد شبانی و کشاورزی به عنوان اقتصاد معیشتی ایران باستان، در ارتباط تنگاتنگ با طبیعت و محیط طبیعی و شرایط اقلیمی بوده و به همین جهت انواع الهه هایی که مردم می پرستیدند به نحوی در ارتباط با محیط طبیعی برسلخت اجتماعی شده است، الهه هایی چون الهه ی مهر (میترا)، الهه باران یا آب (آناهیتا)، الهه طوفان (وایو)، ایزدی نماد پرتوی خورشید (اوش بام)، الهه روز بیست و هفتم ماه مهر (آسمان)، فرزند آب ها (اپام نپات)، هدیه خورشید، خورشید داد، عطیه مهر (مهر داد) [۱۳] همه نشان از نقش اساسی و مهم تاثیرات عناصر طبیعت بر زندگی مردمان این مرزوبوم بوده است؛ مثلاً در اعتقاد ایرانیان باستان آناهیتا الهه بارندگی و رویش و زاینده گی بود، که به اراده و تدبیرش باران فرو می آمد، رودها به جریان می آمدند، گیاهان می رویدند و حیوانات و انسانها زاد و ولد می کردند، رحمت آناهیتا شامل تمام موجودات زنده می شد، و از این جهت یک ذات مقدس برای تمام ایرانیان بود.

آنچه نقش این الهه های برگرفته از شرایط اقلیمی را برای تحلیل با اهمیت جلوه می دهد، نقش این الهه ها در ایجاد نظام اجتماعی و به تبع آن ساختار قشربندی موجود در ایران باستان است، چرا که باورها و ارزشها همیشه در مراحل بعدی حیات اجتماعی - اقتصادی به صورت سازمان، ساختار و نهاد در آمده و در مراحل بعدی بر همه شئون زندگی سایه می افکند. به همین جهت است که روحانیون یا موبدان یا مغ ها به عنوان رهبران دینی و متولیان این الهه ها و برگزار کنندگان مراسم و آیین های دینی، همیشه به عنوان یکی از اشغال کنندگان قسمتهای بالایی هرم قشربندی این جوامع بوده و به تبع آن از مزایای و امکانات جامعه به صورت نابرابرانه بهره برده اند. در ذیل مدل علی تاثیرات شرایط اقلیمی بر پیدایش باورها و اعتقادات دینی ایران باستان نشان داده می شود:

نمایه ۲: مدل علی تاثیرات شرایط اقلیمی بر پیدایش باورها و اعتقادات دینی و تاثیرات آن در نظام قشربندی ایران باستان



ج) جایگاه دین در نظام قشربندی:

در مباحث قبلی آورده شد که مطالعه تاریخ ایران باستان، اهمیت و جایگاه دین به عنوان یکی از عوامل پراسازنده نظام اجتماعی را نشان می دهد. اینکه آیا شرایط اقلیمی و سختی و خشونت محیط طبیعی بر این گرایش تاثیر داشته و یا عوامل دیگر، موضوعی است که جای بحث و بررسی دارد ولی بی شک و بدون کاستن نقش و اهمیت سایر عوامل و علل، با توجه به تئوری استبداد شرقی یا شیوه تولید آسیایی می توان نقش رد پای عوامل محیطی را در این گرایش و نیز برساخت کل نظام اجتماعی و نظام قشربندی مشاهده کرد.

مقوله امنیت و نیاز به یک حکومت دیوانسالار جهت برنامه ریزی برای استفاده از عامل کمیاب آب و سایر نهاده های کشاورزی، مقوله ای است که تا حدودی دلایل پیدایش حکومتهای متمرکز اقتدارگرا و استبدادی را در این منطقه تبیین می کند و عنصر دین و نهاد مربوط به آن به عنوان یکی از عوامل اجماع و ایجاد کننده همبستگی و نیز تامین کننده ی امنیت هستی شناختی و مسائل روحی و روانی، همیشه در کنار نهاد سیاسی و در ارتباط با آن همیشه نقش مهم، اساسی و پایه ای داشته و به نوبه خود بر سلسله مراتب نظام اجتماعی موجود و برساخت آن تاثیر گذار بوده است.

به طور کلی تاریخ و فرهنگ بشری هرگز و در هیچ دوره ای خالی از دین به مفهوم اخص و یا اسطوره و اعتقادات دینی به مفهوم اعم نبوده است. این اندیشه اسطوره ای و دین است که آغازگر انسجام تحولات فرهنگی است. به عبارت دیگر مهم ترین رکن معنوی حیات اجتماعی انسان در آغاز، اندیشه و جهان بینی اسطوره ای و سپس دین است. این اندیشه اسطوره ای و دین است که اندیشه فلسفی را پدید می آورد و اندیشه فلسفی و نظام فلسفی است که سرانجام اندیشه علمی و نظام علمی را از درون خود می زاید. نتیجه این که تحولات عظیم در حیات مادی و معنوی انسان از آغاز تا کنون پیوسته دارای ارکان سه گانه دین، فلسفه و علم بوده است. [۱۴]

چنانچه نگاهی سیستمی و نظام مند به این امر داشته باشیم به طور کلی نقش هیچ یک از این ارکان سه گانه را بی تاثیر و یا پررنگ تر از دیگری نخواهیم دید زیرا هر یک از این حوزه ها به نوعی زمینه ساز تحولات بعدی بوده اند. در ایران باستان مسئله کمی متفاوت است و این تفاوت در این است که در میان ارکان سه گانه ای که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، دین نقش اصلی را به عهده دارد. این دین است که در خود، اندیشه حکمی و سرانجام حکمت



- و نه فلسفه - را می‌پروراند و به فرهنگ ایران زمین ارائه می‌کند. این دین است که در محدوده‌ی خود اندیشه‌ی علمی و نظامی علمی را گسترش داده و عرضه و انتشار آن را موجه می‌کند. این دین است که بسیاری از بنیادها و موارد بنیادین را با خودش تغییر می‌دهد. زیرا در مجموع و به ویژه در ایران باستان و حتی ایران پس از اسلام پدیده‌ای مفهوم‌ساز و معیارساز است؛ و اصولاً پدیده‌ای که مفهوم‌ساز و معیارساز نباشد، تحول چشمگیری به وجود نمی‌آورد. اوج محوریت دین را در دوره‌ی حدود چهارصد ساله ساسانی می‌توان آشکارا مشاهده کرد. در این دوره است که دین مبنای تعاملات اجتماعی، احکام حقوقی اعم از مدنی و جزایی، ستیز با متخاصمان، تمام شایسته‌ها و نشایسته‌ها و حتی نگرش‌های علمی و غیره می‌گردد. [۱۵]

روحانیون (کاهنان یا مؤیدان) در دوره‌های مختلف تاریخ ایران باستان، شأن و مقامی خاص داشتند و یکی از متنفذترین طبقات اجتماعی به حساب می‌آمدند. پادشاهان که از نفوذ این طبقه در بین مردم آگاه بودند، برای کسب مشروعیت سیاسی حکومتشان سعی فراوان می‌کردند تا رابطه‌ای مناسب با آن‌ها برقرار نموده و با جلب نظر آن‌ها پوششی امنیتی برای حکومت خویش فراهم آورند. انتشار دین «و حفظ مذهب راستی و پرستش خدای یکتا و ادای بعضی مراسم نیک و مفید» [۱۶] از مهم‌ترین وظایف مؤیدان به شمار می‌آمد. آنان ضمن این که اقامه تمام امور مذهبی جامعه را عهده‌دار بودند، در کنار آن برخی فعالیت‌های اجتماعی، مانند تعلیم و تربیت، تعبیر خواب، مداوای بیماران و ... را نیز انجام می‌دادند و به طور کلی در تمام جوانب زندگی مردم دخالت داشتند. تربیت شاهزادگان و برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی نیز از دیگر قلمروهای فعالیت روحانیون بود که جلوه‌ای سیاسی به عملکرد این طبقه می‌بخشید. [۱۷]

در خصوص نقش و وظیفه روحانیون و مؤیدان در نظام تقسیم کار ایران باستان، جان بی ناس در تاریخ جامع ادیان می‌نویسد: اداره زندگی مذهبی زرتشتیان بر عهد مؤیدان یعنی طبقه روحانیان ایشان است که به وراثت از دیرباز و از پدران و نیاکان محوس خود را محفوظ داشته‌اند و پیشوایان بزرگ را دستور می‌گویند و غالباً ایشان مردمی تحصیل کرده و تربیت شده‌اند. اما وظیفه افروختن آتش مقدس در آتشکده بر عهد جماعتی خاص است که آن‌ها را مؤید گویند. آن‌ها بایستی همیشه به دقت رسوم دینی و آداب تطهیر و تغسیل را رعایت نمایند. [۱۸]

شواهد نشان می‌دهد که در ادیان و مذاهب باستانی ایران، روحانیون از قدرت و سیطره بسیاری برخوردار بودند. آنان به مردم می‌گفتند که خدایان مانند پادشاهان زندگی می‌کنند. آنان در اشرافیت می‌زینند، پس باید هر چه می‌توانید در بخشیدن زینت آلات و ... کوتاهی نکنید. و بدین سان تزویر مذهبی که روحانیون مذاهب باستانی مظاهر و مصادیق آن بودند، به غارت و چپاول مردم می‌پرداخت. معابد زیر نظر روحانیون بود و سرشار از طلا و جواهر؛ و کلیه این ثروتهای انبوه در اختیار نمایندگان خدایان یعنی روحانیون بود. آنان علاوه بر این، ذخائر و انبارهای غله و حبوبات و امته گوناگون را که هدایای رعایا برای خدایان بود، در اختیار داشتند، و نام خدایان تجارت می‌کردند. معابد پایگاه تجارت و معاملات روحانیون بود. [۱۹]

بر اساس یکی از اسناد موجود می‌توان گفت که در ایران باستان؛ این روحانیون آنچه نقش و قدرتی در هرم قشربندی داشتند که حتی بر ارتقای گروههای شایسته جهت تحریک اندک و جزئی آن دوران نیز نظارت داشتند؛ کریستن سن می‌گوید: به طور کلی بالا رفتن از طبقه‌ای به طبقه دیگر مجاز نبود، ولی گاهی استثناء واقع می‌شد، و آن وقتی بود که یکی از آحاد رعیت، اهلیت و هنر خاصی نشان می‌داد، در این صورت بنابر نامه "تسر" آن را باید بر شهنشاه عرضه کنند، بعد تجربت مؤیدان و هرابذه و طول مشاهدات، تا اگر مستحق بدانند به غیر طائفه الحاق فرمایند. [۲۰]

در سند دیگری آمده که؛ مؤیدان از مهمترین مراتب اجتماعی در ایران باستان به شمار میرفتند و حتی پیش از ظهور زرتشت (moghu)، پیشوایی مذهبی مردم را به عهده داشتند. واژه ی مؤید در اوستا به صورت مغو آمده و به مرور زمان به مغویت (magupat) و در فارسی میانه (پهلوی) به مغو (mogu) و در فارسی باستان مگو تبدیل به مؤید شده است [۲۱] گرچه مؤیدان، نگهبان آتشکده‌های کشور بودند و آداب و رسوم دینی همچون آیین تطهیر و قربانی را اجرا می‌کردند اما وظایف آنان منحصر به امور مذهبی نبود. آنها مدرس، مورخ، طبیب و منجم بودند و در تصمیمگیریهای مهم کشور دخالت داشتند. این نفوذ و پایگاه برجسته به حدی اهمیت داشت که به عقیده برخی از پژوهشگران، بررسی وضعیت فرهنگی ایران باستان بدون در نظر گرفتن جایگاه مؤیدان امکانپذیر نیست. [۲۲]

با توجه به نقش نظام تقسیم کار در پی ریزی نظام قشربندی و بهره‌مندی از مزایا، روحانیون و کاهنان و مؤیدان ایران باستان کارکردها و وظایف خاص و متنوعی را عهده‌دار بودند که این امر قدرت مانور بیشتری برای کسب قدرت و نفوذ و بهره‌مندی از مزایای اجتماعی را برای آنها فراهم کرده و سبب بازتولید و بازتثبیت نظام سلسله مراتب موجود به نفع خود می‌شدند؛ در برخی از بررسی‌ها (دلپذیر، ۱۳۸۹) مهمترین وظایف و کارکردهای روحانیون در نظام تقسیم کار ایران باستان به قرار ذیل آورده شده:



FHD2015.ir

شیراز مهرماه ۱۳۹۴

- ۱- اجرای امور کشوری و لشکری که وظایفی چون: تأیید و گزینش شاهان، تشریفات تاجگذاری، پیام رسانی، دادرسی، رایزنی، مأمور دیوان عرض، مشارکت در میدان نبرد و نظارت بر امور اقتصادی را دربر می گرفت.
- ۲- برگزاری آیینها که شامل وظایفی چون: آداب آتشکده، آیین ازدواج و آداب سوگواری بوده است.
- ۳- راوی و کاتب داستانهای کهن.
- ۴- مرجعیت علمی که در برگزیده وظایفی چون: تعلیم و تربیت، پزشکی، خوابگزاری، ستاره شناسی، معماری، مناظره و نشست علمی را شامل می شد. [۲۳]

در خصوص بهره مندی از مزایای اجتماعی مثلاً در خصوص نقش داوری آنها می توان گفت که یکی از نقشهای کلیدی در همه جوامع اعم از مدرن و سنتی، نقش داوری بوده و دارندگان این نقش از مزایای بیشتری برخوردار بوده و هستند. یکی از دلایل اهمیت تصدی این گونه نقش ها پشتوانه ایدئولوژیکی آنست، بطوریکه همیشه امر قضاوت به افرادی سپرده شده که دارای مقام معنوی و دینی بوده اند. در خصوص نقش داوری و قضاوت روحانیون در ایران باستان می توان چنین تبیین کرد که چون جامعه ی ایران باستان جامعه ای دین باور بوده و به خصوص دین زرتشت نقش مهمی در افکار مردم داشته، و نیز با توجه به این که این دین در برهه ای طولانی از تاریخ ایران باستان در صدر قدرت قرار داشته و متون قضایی، متون مذهبی این دین بوده است، می توان به نقش عمده ی روحانیون زردشتی در دستگاه قضایی ایران باستان پی برد.

در یکی از سندها آمده: «محاکم هر ناحیه را یک نفر قاضی روحانی اداره می کرد و بطور کلی مراقب بود که احکام و اعمال روسای غیر روحانی ناحیه نیز کلاً موافق عدالت باشد... بموجب کتاب اوستایی سنکا ذوم نسک بین قضاتی که ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده و پانزده سال علم فقه تحصیل کرده باشند امتیازی قائل شده اند، ظاهراً تصمیمات و احکام حقوقی هر یک از آنان بر حسب درجه اعتبار مختلفی داشته است... از آن گذشته می توان حدس زد که بسیاری از مأموران قضایی که مناصب مخصوصی داشته اند موبد یا هیربد بوده اند، چنانکه می دانیم هیربدان گاهی به عنوان قضاوت فتوایی می داده اند» [۲۴].

در این خصوص در سند دیگری آمده که: «قضات از میان روحانیین معین می شدند زیرا فقط آنها بودند که اطلاعات و معلومات قضایی داشتند» [۲۵]. زرین کوب نیز در این باره می نویسد: در دوره ساسانی «در آنچه به اجرای عدالت مربوط می شد نقش عمده بر عهده هیربدان بود که با قانون دینی و احکام عادی آشنایی داشتند» [۲۶].

اهمیت امر داوری و کارکردهای اجتماعی در نظام قشربندی ایران باستان آنچنان برجسته بوده که جایگاه روحانیون و متولیان امورات دین را چنان رفیع و بانفوذ می کرده که حتی برخی موقع خود پادشاهان به عنوان راس نظام قشربندی از داوریه و عقوبتهای آنها در امان نبودند نمونه ی روشن چنین واقعه ای، عهد سلطنت قباد ساسانی بوده است. به هر حال «اگر کسی از مذهب روبرمی گرداند و به دین دیگری می گروید، بلافاصله او را اعدام می کردند» [۲۷].

با این که درباره حقوق و امتیازاتی که یک قاضی در ایران باستان از آن برخوردار بوده، اطلاعات زیادی نداریم اما می توان چنین حدس زد که با توجه به این که قضات رسمی، و نیز قضات منصوب پادشاه، اغلب از نجبا و خاندانهای اصیل و نیز از روحانیون زردشتی بوده اند، خود دارای امتیازات، املاک و درآمد زیادی نیز بوده اند و شاید مزایای خاصی نیز در ارتباط با منصب قضاوت در اختیار آنها قرار می گرفته است. احتشام (۱۳۵۵) در این باره می نویسد: «در عهد هخامنشی عدالت دارای مقام شامخی بوده است. شاهنشاهان هخامنشی امر عدالت و اجرای آن را یکی از برنامه های سلطنت خود و سرلوحه امور

کشوری قرار داده بودند، به همین جهت است که قضات در این زمان از مزایای فراوان و امتیازات زیادی برخوردار بوده اند» [۲۸].

در مجموع و بر اساس یافته ها و متون موجود از نظام اجتماعی، سلسله مراتب و قشربندی ایران باستان در دوران ساسانیان می توان گفت: که از آنجا که شیوه حقوقی هر جامعه ای بازتاب و انعکاس روش زندگی و شرایط و اوضاع و احوال آن جامعه است، بی شک حقوق ایران در زمان ساسانیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و چون در جامعه حاکم روزگار ساسانی، روحانیون قدرت بلامنازعه محسوب شده و در طبقه اول قرار داشتند حقوق و شیوه های حقوقی متأثر از این واقعیت، آمیختگی بسیار شدیدی با دین و مذهب داشته است، به طوری که دخالت روحانیون زرتشت در تمامی مسائل حقوقی به وضوح نمودار است، علت این امر نیز آن بود که دولت ساسانی از اوائل تشکیل با روحانیون زرتشتی متفق شده بود. اصحاب دین جنبه قدسی خویش را شامل حکومت دینی نموده بودند و خود نیز به برکت حمایت دیوانیان در همه شئون و احوال مهم زندگانی افراد ایرانی دخالت میکردند همه امور مملکتی به مشورت و پیش بینی ایشان (مغان) انجام میشد. مغان اقتدار روحانی داشتند. دولت ایشان را حاکم بر جان و مال و عرض مردم کرده بود اجرای



عقد ازدواج و صحت طلاق، عنوان حلالزادگی و صدق تملک و سایر حقوق در ید قدرت ایشان بود. همه این حقوق باعث نفوذ کامل ایشان شده بود. در دوره ساسانی نیز همانند دوره هخامنشی، شاه در رأس قوه قضائیه قرار داشت و به مقتضای طبیعت دین پارسی که دین و اخلاق را با حقوق به معنی قضایی متحد میدانست. عمل داوری و دادرسی در این دوره توسط روحانیون انجام می گرفت و قوه دادرسی به معنی اخص متعلق به این طبقه بوده است. [۲۹]

آنچه در وصیتنامه اردشیر بابکان، سرسلسله امپراتوری ساسانی به فرزندش شاپور (۲۴۱-۲۷۱م) آمده است، بیش از پیش اهمیت و جایگاه دین را در نظام قشربندی ایران باستان نشان می دهد: «پسر من! دین و شاهی فرین یکدیگرند و یکی از دیگری بی نیاز نیست؛ دین اساس ملک است و ملک، نگهدار دین است. هر چه را اساس نباشد معدوم گردد و هر چه نگهدار نباشد نباشد تباهی گیرد» [۳۰]، بنابراین از مهم ترین شاخصه‌هایی که تاریخ سیاسی و مذهبی این دوره را از سایرین متمایز می سازند، هم نواختی و هماهنگی دین و دولت، به خصوص در عصر نخستین پادشاهان این سلسله است. در این دوره، سلطنت و وحدت کشور بر مذهب متکی شد و بین دیانت و سیاست، پیوندی عمیق شکل گرفت. عاملی که این پیوند را استواری می بخشید، علاوه بر رسمیت یافتن دین زرتشتی، همبستگی نسبی و اهداف دینی و اجتماعی مشترک میان روحانیون و پادشاهان بود که بر اساس آن، دولت حامی دین شد و دین پشتیبان دولت. [۳۱]

در خصوص جایگاه روحانیون دینی در نظام قشربندی ایران باستان در برخی متون آمده: داریوش بزرگ چه در امر تمرکز و اتحاد کشور خویش و چه در مورد سازمان دادن آن، به قشرهای عالی، به توانگران و اعیان و روحانیان و کاهنان متکی بود. در آن زمان روحانیان و کاهنان در جامعه از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیروی بزرگی شمرده می شدند و داریوش به منظور جلب مساعدت ایشان، اقدامات فراوان برای حفظ مبانی رفاه و آسایش کاهنان به عمل آورد و املاک و عواید معابد را از ورشکستگی محفوظ می داشت، مثلاً یکی از ساتراپهای آسیای صغیر را تویخ کرد که چرا از زارعینی که منتسب به رب النوع «آپولون» بوده اند، عوارض دریافت داشته و امر کرده است که اراضی شخصی او را شخم بزنند. گواهی «اودزاگورسنت» کاهن نیز درباره حمایتی که داریوش از وی و اموال معبدی که او اداره می کرده، نموده است در منابع موجود محفوظ مانده. پاریسان در دستگاه دولت و کشور وضع خاصی داشتند و خراج نمی پرداختند. [۳۲]

بر اساس این اصل که قدرت فساد انگیز است می توان گفت که همیشه قدرت و مزایای ناشی از اشغال سطوح بالای هرم قشربندی، دامان موبدان را به انواع فسادها و جنایتها آلوده می کرد؛ زرین کوب در بررسی خویش آورده است: «در پایان سلطنت انوشیروان ایران وضعی سخت متزلزل داشت... روحانیت روی در فساد داشت. فسادی که در وضع روحانی بود از قدرت نفوذ موبدان بر می خواست.» [۳۳]، همچنین برخی بررسی ها (علمداری، ۱۳۸۸) نشان می دهد که در دوران ساسانی «از نظر دینی وضعیت نامساعدی به وجود آمده بود. دستگاه دینی در حکومت ادغام شده بود. و موبدان زرتشتی در سیاست گذاری دولت و سرکوب مخالفان به خصوص مخالفان دینی نقش بارزی ایفا می کردند. بنابراین دستگاه دینی نیز همراه دستگاه حکومتی به فساد اخلاق کشیده شده بود.» [۳۴]

با اتکا به اسناد مورد استفاده در این بررسی می توان گفت که کاهنان و موبدان همواره از جایگاه ویژه ای در باورها و اعتقادات توده های مردم برخوردار بوده اند. موبد موبدان غیر از آنچه درباره ی مسائل دینی و هدایت معنوی تعلیمات لازم را معمول می داشتند، عزل و نصب پادشاه را نیز در دست داشته و چنانچه پادشاهی طبق تعالیم روحانی اعظم، رفتار نمی کرد، نالایق به شمار می رفت و بوسیله ی موبدان عزل می شد. انتخاب پادشاه، مخصوص عالی ترین نمایندگان طبقات روحانی و سپاهیان و دیران بود و در صورت اختلاف میان آنان منحصر به موبد موبدان می شد. در نامه تنسر در این باره مطالبی آمده است.

بر این اساس همیشه این قشر متنفذ و قدرتمند در کنار شاهان در قسمت های بالای هرم قشربندی قرار داشته و از مزایای بیشتر و نابرابری نسبت به سطوح پایین نظام قشربندی برخوردار بودند.

نتیجه گیری:

آنچه از مجموع متون و بررسی ها قابل دریافت و تبیین است اینکه دین همیشه در ایران باستان به عنوان یک مولفه تاثیر گذار در بر ساخت نظام اجتماعی و سلسله مراتب اجتماعی و قشربندی بوده و صاحبان و متولیان آن همیشه در قسمت های نزدیک به راس هرم قشربندی قرار داشته و به تبع آن از انواع مزایا و امکانات اجتماعی به صورت نابرابرانه و سرتر نسبت به دیگر اقشار جامعه بهره مند می شدند و بی شک تاثیر محیط طبیعی و شرایط اقلیمی سخت فلات



ایران را نمی توان در این نظام اجتماعی نادیده گرفت و این در حالیکه که بسیاری از ادیان بزرگ جهان همیشه در مناطق دارای طبیعت خشن و سخت چون خاورمیانه شکل گرفته است.

در حقیقت شرایط اقلیمی و طبیعت سخت و خشن یک منطقه در برسازی نظام اجتماعی، شیوه تولید، ابزارها، نرم ها و اعتقادات اعضا تاثیر گذار بوده و این امر به بر ساخت مناسبات و روابط انسانی نابرابرانه کمک کرده است. انسان همیشه در حیات خویش در کره زمین از یک خلاء عاطفی و معنوی رنج برده و همیشه از طرقهای مختلفی خواسته بر این پریشانی خاطر، درمانی پیدا کند و دین یکی از ابتکارات انسانهای اولیه در پر کردن این خلاء معنوی و امنیت هستی شناختی بوده است، بطوریکه این امر بر سایر مناسبات انسانی تاثیر گذاشته و نظام تقسیم کار دوران باستان را به نفع عده ای که چنین توانایی به اصطلاح کنترل کننده نیروهای اهریمن، شر و فراهم کردن نعمتها و آشتی طبیعت را دارند، برسازی کند و این قصه ای است که تا به امروز هم ادامه دارد. آنچه اینجا شایان توجه است خواست خود انسانها و کنشگرانی است که با قوه فهم و تفسیر خویش، با تابعیت و اطاعت همیشه به بازتولید نظام قشربندی و نظام سلسله مراتب موجود در زندگی خود تن داده اند، نظامی که به شدت از آن بیزار بوده و همیشه بدان بدبین و از آن ناخشنودند.

پینوشت ها:

- [۱] مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲). تکامل اجتماعی انسان، نوبت چاپ: ۷، صفحه ۵۹.
- [۲] سیف الهی، سیف اله، (۱۳۹۳). طبقه متوسط ستون فقرات جامعه است، ایرنا: کد خبر (۴۲۵۱۳۹۵) (۸۱۳۳۶۸۸۵) تاریخ خبر ۱۳۹۳/۰۷/۱۲.
- [۳] سیف الهی، سیف اله، (۱۳۸۸). مبانی جامعه شناسی، چاپ سوم، صفحه ۹۸.
- [۴] همان، صفحه ۹۱.
- [۵] وب سایت جامع هوا و اقلیم شناسی، (www.climatology.ir)
- [۶] وب سایت دنیای اقتصاد پنج شنبه بیست آبان ۸۹ (www.donya-e-qtasad.com)
- [۷] نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، صفحه ۶۱-۶۶.
- [۸] علمداری، کاظم، (۱۳۸۸). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، صفحه ۱۸۱.
- [۹] روزنامه شرق، کد خبر: ۲۳۵۹۶، تاریخ خبر: ۱۳۹۲ شنبه ۴ آبان.
- [۱۰] وب سایت آفتاب، مولفه هایی بر پیش بینی ناپذیری کنش سیاسی ایرانیان، کد A1۴۴۳۳، شنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۷.
- [۱۱] سیف الهی، سیف اله، منبع پیشین، صفحه ۹۸.
- [۱۲] همان، صفحه ۱۰۰.
- [۱۳] وب سایت ادیان و مذاهب، الهه ها در ایران باستان ۱ (www.adyan.porsemani.ir)
- [۱۴] سعید عریان، صورت بندی ها و مؤلفه های اجتماعی- فرهنگی ایران باستان، سوره (۵۰-۵۱) شماره سوم، تاریخ (www.sooremag.ir).
- [۱۵] همان.
- [۱۶] ایرانی (سلیستر)، (۱۳۳۴)، دین شاه، اخلاق ایران باستان، چاپ سوم، صفحه ۴۴.
- [۱۷] حبیب زمانی محبوب، تعامل دین و حکومت در ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کد مطلب: ۴۸۹۱۴
- [۱۸] وب سایت ادیان، روحانیت و نقش روحانیون در ادیان باستانی ایران، (www.adyan.porsemani.ir).
- [۱۹] همان.
- [۲۰] مرتضی مطهری، (۱۳۶۲). خدمات متقابل ایران و اسلام، صفحه ۲۵۴-۲۵۵.
- [۲۱] پورداوود، ابراهیم، (۱۳۸۰). یسنا، جلد ۲، صفحه ۲۱.
- [۲۲] دلپذیر، زهرا، (۱۳۸۹) خویشکامیهای موبدان در شاهنامه، دو فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، سال هجدهم، شماره ۶۹، پاییز.
- [۲۳] همان.
- [۲۴] غزالی، امام محمد، نصیحه الملوک، تصحیح استاد جلال الدین همایی (۱۳۵۱)، صص ۱۰۱ و ۱۰۰.
- [۲۵] راوندی، مرتضی، (۱۳۶۸). سیر قانون و دادگستری در ایران، ص ۱۱.



[۲۶] احتشام، مرتضی، منبع پیشین، ص ۱۰۱.

[۲۷] مرتضی، احتشام، مرتضی، (۱۳۵۵). ایران در زمان هخامنشیان، ص ۸۹.

[۲۸] همان، صفحه ۸۴.

[۲۹] مسعود عرفانیان، قضاوت و اصول دادرسی ساسانیان، منتشر شده در وبلاگ تخصصی حقوق ایران

[۳۰] ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، (۱۴۰۴ق). مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۲۴۳.

[۳۱] حبیب زمانی محجوب، (۱۳۸۷). تعامل دین و حکومت در ایران باستان، مجله نامه تاریخ پژوهان، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۴، از ۴۳ تا ۷۰.

[۳۲] غلامپور، رویا، (۱۳۹۲). وضع طبقات مختلف در ایران باستان، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۹۱۴، مورخه ۹۲/۲/۱۹، صفحه ۳۱.

[۳۳] زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۸). دو قرن سکوت، ص ۵۴-۵۵.

[۳۴] علمداری، کاظم، منبع پیشین، صفحه ۳۰۳.

منابع:

الف) کتابها:

- ۱- احتشام، م.، (۱۳۵۵)، " ایران در زمان هخامنشیان"، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی زبان کتاب.
- ۲- ایرانی، س.، (۱۳۳۴)، " دین شاه، اخلاق ایران باستان"، تهران: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی، چاپ سوم.
- ۳- پوردادوود، ا.، (۱۳۸۰)، " یسنا"، جلد ۲، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۴- راوندی، م.، (۱۳۶۸)، " سیر قانون و دادگستری در ایران"، تهران: نشر چشمه و کتابسرای بابل، چاپ اول.
- ۵- زرین کوب، ع.، (۱۳۸۸)، " دو قرن سکوت"، تهران: انتشارات سخن، چاپ بیست و یکم.
- ۶- سیف الهی، س.، (۱۳۸۸)، " مبانی جامعه شناسی"، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا، چاپ سوم.
- ۷- علمداری، ک.، (۱۳۸۸)، " چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت"، تهران: انتشارات توسعه، چاپ شانزدهم.
- ۸- علی بن حسین مسعودی، ا.، (۱۴۰۴ق)، " مروج الذهب و معادن الجواهر"، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۹- غزالی، ا. م.، (۱۳۵۱)، " نصیحه الملوک"، تصحیح استاد جلال الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ اول.
- ۱۰- مطهری، م.، (۱۳۷۲)، " تکامل اجتماعی انسان"، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
- ۱۱- مطهری، م.، (۱۳۶۲)، " خدمات متقابل ایران و اسلام"، تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۲- نقیب زاده، ا.، (۱۳۷۹)، " درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی"، تهران: انتشارات سمت.

ب) مجلات و روزنامه ها:

- ۱- حبیب زمانی، م.، (۱۳۸۷)، " تعامل دین و حکومت در ایران باستان"، مجله نامه تاریخ پژوهان، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۴، ۲۸ صفحه: از ۴۳ تا ۷۰.
- ۲- دلپذیر، ز.، (۱۳۸۹)، " خویشکامیهای موبدان در شاهنامه"، دو فصلنامه علمی، پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، سال هجدهم، شماره ۶۹، پاییز.
- ۳- روزنامه شرق، کد خبر: ۲۳۵۹۶، تاریخ خبر: ۱۳۹۲ شنبه ۴ آبان.
- ۴- سیف الهی، س.، (۱۳۹۳)، " طبقه متوسط ستون فقرات جامعه است"، ایرنا: کد خبر (۴۲۵۱۳۹۵) ۸۱۳۳۶۸۸۵، تاریخ خبر ۱۳۹۳/۰۷/۱۲.
- ۵- غلامپور، ر.، (۱۳۹۲)، " وضع طبقات مختلف در ایران باستان"، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۹۱۴، مورخه ۹۲/۲/۱۹، صفحه ۳۱.

ج) وب سایت ها:

- ۱- وب سایت جامع هوا و اقلیم شناسی، (www.climatology.ir).
- ۲- وب سایت دنیای اقتصاد پنجشنبه بیست آبان ۸۹، (www.donya-e-eqtasad.com).
- ۳- وب سایت آفتاب، (www.aftabir.com).
- ۴- وب سایت ادیان و مذاهب، (www.adyan.porsemani.ir).
- ۵- وب سایت سوره، (www.sooremag.ir).
- ۶- وب لاگ تخصصی حقوق ایران، (<http://www.dad-law.blogfa.com>).